

به نام ایزد یکتا



به هوش باشید:

به زودی، «ساز خرد کوک» آفرینش، سوراتینت بن

نغمه‌های جاویدان عشق را در هارمونی

«بقا» و «پایداری» و «آزادی»

مردم این سرزمین اهورائی

خواهد نواخت

«ما را نگاهی بس بود بر رخنه دیوارها»

عباسعلی سیمیری

سرشناسه	: سیمپاری، عباسعلی، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: تک درخت آرزو/ اثر عباسعلی سیمپاری.
مشخصات نشر	: قزوین: انتشارات مینودر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۴ ص.: مصور.
فروست	: آفرینش ششم.
شابک	: 978-600-8595-74-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Iran -- Politics and government -- History -- Sources
موضوع	: دولت‌های نافرجام -- ایران -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Failed states -- Iran -- History -- Sources
موضوع	: ایران -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Iran -- History -- Sources
رده دی کیره	: DSR109
رده بندی دیویی	: ۹۵۵
شماره کتابستاسی ملی	: ۵۸۷۸۷۴۹



نام کتاب: تک درخت آرزو

به کوشش: عباسعلی سیمپاری

ناشر: انتشارات مینودر

صفحه آرا: محسن ساکتی

طراح جلد: مهناز گروه‌ای

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۷۴-۸۵۹۵-۶۰۰-۹۷۸

آدرس: قزوین، بلوار آزادگان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

تلفن و ایمیل: ۰۹۱۹۶۵۹۸۷۲۵ - en.minodar@gmail.com

آفرینش ششم در پنج فصل، شامل:

پیش گفتار به قلم مهندس منوچهر حسینی بهاری

سخن نگارنده

تابلوی انتظار

۱. فصل اول: مخاربه‌ی پزندگان

۲. فصل دوم: باغ فرشتگان، جریده‌ی مرغان

۳. فصل سوم: مساحت اکتشافی، مختارات کالترون

۴. فصل چهارم: پروژده‌ی آسمان و امواج آن در ورای منظومه شمسی

۵. فصل پنجم: کاوشگر پارسا، شش سیاره‌ی زنده، پزندگان منور

نقشه‌ی شکل‌گیری ستارگان، وارونگی، هایدروسی و فرد جمعی

این کتاب به جوانان کوشنده و بیدار دل ایران زمین تقدیم می‌گردد.

«نہایتی بیماری»

پیش‌گفتار «وابستگی»

با مطالعه دقیق و موشکافانه‌ی آثار ارزشمند عالیجاه عباسعلی سیمپاری در سیری کتاب‌های ده‌گانه‌ی «پیدایش» افریننده به ویژه مجلدات سه‌گانه‌ی (تحولات تاریخی و فلسفی تاریخ) و غور در قضایای حائز اهمیت «وابستگی» کامل و تمام عیار میهن عزیزمان ایران به دُول استعماری شرق و غرب از دیوباز و با توجه به عام و خاص ذهنی و معنوی بینش‌های نوگرایانه‌ی فلسفی و اعمال عملی سیاست‌های ماکیاوولی متبعث از نسو در یک حقایق و واقعیت‌های ملموس و مشهود و اغتنام فرصت‌های طلایی و ندانم‌کاری‌های حاکمان بر بدنه پید و پنهان دست‌اندرکاران «روابط نیم‌بند سیاسی-اجتماعی» این مملکت «بازنده»، در سیاست‌گذاری‌های «کلان، جهانی» و دَغل‌کاری‌های مُرزورانه‌ی کارکنان به اصطلاح «مسئول» وزارت امور خارجه، بی‌وقت و بازی‌های خطرناک و خطرآفرین «دیپلماسی»‌های ویرانگر و خودبینی‌ها و خودبایستی‌ها، خالی از وجه «دیپلمات»‌های دستوری ذهن‌بین بی‌اراده و بی‌برنامه‌ی صد در صد «فرمایشی»، با استیلاهای داغدار «تمسخرآمیز» که انزوای گذشته‌ی بین‌المللی را برایمان به ارمغان آورده و گذشته‌اند:

بر آن شدم، تا اسناد تاریخی تحولات منفی ناشی از اشتباهات فراگیر دولت‌زدان گذشته را که مبین و مفسر و شارح همه کمودها و «باخت»‌های سیاست‌گذاران آبله و خودبین و خودخواه و خودنگر ایران‌زمین در ادوار مختلفه تاریخی بوده و اثرات مُخرَب و دردناکشان هم‌چنان بر حیثیت وجودی فرد فرد ایرانی و وطن پرست بیداردل و آگاه، مشهود و ملموس است را مورد بررسی‌های «تحلیلی موشکافانه» قرار داده، به نتایج مطلوب‌تری از آنچه تاکنون به دست آورده‌ایم،

ناثل و بتوانیم با اِمعان نظر و ذهنیات پاکسازی شده، جلو گسترش سیاست‌های ماکیاوولی و حُسنقلی‌خانی را «سَدّه»، و مملکت آسیب‌دیده‌ی خویش را به شاهراه‌های ترقّی و تعالی بالنده‌تری، هدایت نماییم.

آقای «کُستانتین اِسارکو»^۱، مورخ بیدار دل و همه‌فن‌حریف کشور باستانی «رومانی» در کتابخانه‌ی باشکوه «مارچیانّا»^۲، واقع در شهر تاریخی و مشهور وینز، تحت شماره‌ی^۳ (Lat, sinx, codclxx) به یک نام‌های تاریخی اثرگذار اسرارآمیز، دست‌یافت که مُبین سیاست‌گذاری‌های ویرانگر سلاطین خودخواه گذشته ما بوده است.

نامبرده در تشریحی^۴ پیراژنی تحت عنوان:
(نام‌های مُتَشَبّه از اُزُرران حسن، پادشاه وقت ایران، به اِشتیفین کبیر^۴ پادشاه کشور کوچک «مُلداوی»^۵)

مسائلی را مطرح کرده که در هر چهار^۶ در خور تعمق و تدقیق است!
مُشارالیه بعدها، همان نام‌های شگفته^۷ را با مَآلات مُشابه دیگری در کتابی ویژه به طبع رسانیده و انتشار داده است!

البته گروهی دیگر از پژوهشگران تاریخی نیز، با و ن این که شخصیت سیاسی اجتماعی اُوزون حسن را مورد تحقیق و بررسی‌های عالمانه‌تری قرار دهیم. در زمینه‌های روابط ناهنجار وی با اِشتیفین و دیگر شخصیت‌های اثرگذار اروپا به نتایج مطلوب‌تری^۸ رسیده‌اند، هم، تحقیقات ناقصی به عمل آورده‌اند که فاقد جنبه‌های تاریخی و دقائق موشکافانه‌ی تحلیلی^۹ است!
کُستانتین اِسارکو، در تعریف و تشریح و تعقیب و تصدیق این داد و ستد فرهنگی سیاسی مؤثر، چنین داد سخن می‌دهد:

- 1 - Constantin, Asarco
- 2 - Marcheiana
- 3 - Lat, Ci, Nx, Codcl, Xxves
- 4 - Ashtefen
- 5 - Moldavi

«رونویس ارزشمند این نامه‌ی تاریخی سیاسی را آقای «لیویو پودا کاتارو»^۱ که چندی مفتی دستگاه عریض و طویل «پاپ اعظم»، کاتولیک‌های جهان بوده و در سال ۱۵۵۶ میلاد مسیح در شهر ونیز در گذشته، از شهر تاریخی رُم به ونیز آورده و آن را همراه نسخ خطی خود به این جمهوری واگذار نموده است و لذا فعلاً چهار نسخه‌ی رونوشتی از آن نامه در کتابخانه‌ی مارچیانا، موجود است!»

متن «لاتین»، این نامه‌ی رسمی که توسط «کنستانتین دسارا»^۲ با دقت فراوان، ترجمه و با وسواس کامل «استساج» و انتشار یافته، یکی از اسناد معتبر بین‌المللی است! مترجم مذکور در سبقتار این سند مُستند، تبیین می‌کند که این ترجمه‌ی نامه‌ای است که «شاه اوزون حسن» به زبان پارسی شاه اِشتفن کبیر نوشته و به وسیله‌ی «اسحاق بیگ»، سفیر کبیر وقت ایران برای وی ارسال نمود است. او می‌گوید:

که بنابر تقاضای آقای اسحاق بیگ سفیر که شاه نام‌آور ایران اوزون حسن به وسیله‌ی من «کنستانتین دسارا» استاد هنر و سردفتر اسناد رسمی در این منطقه، کلمه به کلمه بدون افزودن یا کم کردن و یا عوض نمودن واژه‌ای که سبب تصرف در آن می‌گردد و یا این که مفهومی تغییر یافته باشد، ترجمه کردم مگر در مواردی که برخی از «اصطلاحات زبان پارسی» به اصطلاحات ویژه‌ی زبان و ادبیات لاتین، قابلیت ترجمه نداشت و افاده‌ی معنوی آن ممکن نبود و لذا با تلاش ادیبانه‌ی درخور تعمق و تدبیر، این اصطلاحات را به نزدیک‌ترین اصطلاحات «رایج ادب» آن سامان برگردان نمودم که البته در آغاز کار، سرکار خانم «آناکلی»^۳ ارمنی تبار که به زبان پارسی تسلط کامل داشت، بازگو و من آنرا به لاتین ترجمه یا برگردان نمودم!

ناگفته نماند که در متن نامه‌ی رسمی، هرجا که به نام پادشاه ایران برخورد می‌کنیم آن واژه‌ها با «آب طلا» نوشته شده است!!

1 - Leyoyopudacataro

2 - Constantin, Desara

3 - Anna, Kely

اینک متن همان نامه به زبان پارسی (ترجمه از زبان لاتین):

به نام خداوند مهربان، خدائی که او را به نام‌های بی‌شمار می‌خوانند.

«حسن پسر علی، پسر عثمان»

دروید بی‌پایان از قلبی پاک بر فرمانروای بخشنده و بزرگوار!! در کشورش اِشْتِیْن، مالک سراسر

مِلداوی:

بدان که «اسحاق بیگ» را از جانب خود به حضور فرمانروای والامقام فرنگیان، می‌فرستم. این

اسحاق به اصرار ما به خوبی واقف است، بنابراین همان‌طوری که به ما اطمینان دارید، به او نیز

اطمینان کنید. آنچه از طرف ما می‌گوید شما را از آنچه در سال گذشته رُخ داده آگاه می‌کنم:

آن زمان که ما نواحی مشرق بر می‌گشتیم، پیش از آن، فرزند بزرگ من با سرداران و لشکریان

در نواحی سوریه و فرات بود.

فرزند دیگر من نیز با لشکری بر شمار در نواحی بغداد، آنجا که مهم‌ترین مکان اعراب است،

بود!

چهار برادرزاده‌ی من - فرزندان برادر بزرگ‌تر، در نواحی کرمان بودند. و چهار برادرزاده‌ی من

- فرزندان برادر کوچک‌تر، در ری و در نزدیکی ایستان و مازندران بودند.

به غیر از سپاهیان مذکور، سپاه بزرگ من و مردم در آنکه خود مُقیم بودند، هم‌چنین به جُز

سپاهیان مذکور، هزاران نفر از سپاهیان من در محلّه‌های دست‌نخورده پیش گفته‌شده، جای گرفته

بودند. من با عده‌ی قلیلی به نواحی «عثمانی» سرکشی کردم. بخوانست خداوند قدیر که همیشه

موافق اعمال نیک ما است، لشکریان عثمانی را شکست دادم و آنها را همه‌ی شمشیرها و تیرهای

خود ساختم، این نیز واقعیت است که عثمانیان نیز دست‌کوچکی از سپاهیان ما را به عقب راندند. با

این همه، آنجا که یک نفر سپاهی از ما کشته می‌شد، از سپاهیان آنان ده تن هلاک می‌گردیدند.

با توجّه به آنچه گفته آمد، شما را از آن آگاه می‌کنم که با این همه، بین من و عثمانیان هیچ عِلّت

کینه‌توزی وجود ندارد!!!

با این حال، من هرچه زودتر، همه‌ی جنگجویان مُسلّح و زورمند خود را گرد خواهم آورد، بدین جهت شما باید این وضعیت را به اطلاع سلاطین بزرگ مسیحی برسانید و آنان را از تصمیم ما آگاه سازید تا ایشان نیز به تهیّه و آرایش سپاه پردازند و قدرت خود را در یک جا، گرد کنند و چونان دوستان خوب ما از جانب اروپا بر سر عثمانیان بتازند و دیگر بار به شما می‌گویم که من از این سوی به حرکت درخواهم آمد و بدین ترتیب می‌بایستی این «مرد» را از آن تخت به زیر بکشیم. بنابراین آرزو می‌کنم که نقشه‌های ما با مرحمت و تأیید خداوند آن طور که می‌خواهیم و آرزو می‌کنیم به مرحله‌ی عمل درآید. هم چنین از خداوند می‌خواهم که اعمال ما با توکل به قدرت خداوندی او به موقع اجرا گذاشته شود و تمام بدی‌ها از میان برآید.

امضاء

مترجم نامه‌ی «سیاسی جنگی» اوربن ح.، پادشاه وقت ایران به آقای اِشتن کبیر فرمانروای مُلداوی، پس از ترجمه آن به زبان لاتین، مستندات آن را این چنین گواهی و اعلام می‌دارد: «من، کُنستانتین دسارا، استاد هنرهای اراد غه، مذهبی و مسئول دفتر اسناد رسمی منتخب امپراطوری در این منطقه، گواهی می‌نمایم» که آنچه در بالا گفته آمد از زبان پارسی، دقیقاً به زبان لاتینی، ترجمه کردم و همه‌ی آن چنان است که در بالا مندرج گردید و برای تصدیق، سندیت آن، آنرا امضاء و به مُهر معمولی خود ممهور نمودم.

کُنستانتین دسارا

مُهر و امضاء